

فصلنامه علمی ° پژوهشی تاریخ اسلام

سال سیزدهم، شماره چهارم

زمستان ۱۳۹۱، شماره مسلسل ۵۲

نظام وقف در بیمارستان‌های دوره اسلامی از ابتدا تا آغاز عثمانی

تاریخ دریافت: ۹۱/۴/۷

تاریخ تأیید: ۹۱/۶/۱۹

دکتر اصغر منتظر قائم *

شمس حسینی **

دکتر کیومرث عظیمی ***

نظام وقف در میان مسلمانان به سبب تأکید فراوان قرآن، سنت نبوی^ص و تشویق ائمه اطهار^ع گسترش چشم‌گیری داشت. وسعت روند بیمارستان‌سازی در سراسر قلمرو اسلامی از اندلس در غرب تا ماوراءالنهر و هند در شرق اسلامی، نشان دهنده اهتمام خاص و ویژه تمدن اسلامی به امور پزشکی و درمانی جامعه است. در ابتدا بودجه و هزینه‌های مصرفی بیمارستان‌های اسلامی به وسیله بانی و یا حاکم سازنده بنا تأمین می‌شد اما خیلی زود مسلمانان دریافتند برای استمرار کار بیمارستان‌ها با نظام وقف است؛ زیرا با مرگ سازنده بیمارستان و یا عدم علاقه جانشینان وی در اختصاص بودجه به بیمارستان و یا ضعف اقتصادی دولت‌ها در مراحل بعد، اداره امور بیمارستان مختل می‌شد.

* دانشیار گروه تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان.

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی کرمانشاه.

*** دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان.

هنگامی که بیمارستان‌ها، املاک و مستغلاتی موقوفه داشتند و از درآمد آن‌ها هزینه‌های خود را تأمین می‌کردند، استمرار کارشان مستقل از ضعف و افول دولت‌ها و حاکمان تداوم می‌یافت و عموم مردم نیز فارغ از هر نژاد، مذهب و مسلکی می‌توانستند به صورت رایگان از خدمات آن‌ها بهره‌مند شوند. بررسی تاریخی منبع درآمد بیمارستان‌های اسلامی که تکیه‌اش بر موقوفات بود، هدف این نوشته است.

واژه‌های کلیدی: وقف، نظام وقف، بیمارستان، املاک، مستغلات.

مقدمه

چاره‌اندیشی انسان برای رها شدن از بیماری‌ها و نجات جان بیماران، تاریخی به قدمت حیات انسان دارد. پیش از اسلام در دو امپراتوری ایران و روم، بیمارستان‌هایی ساخته شد اما در دوران اسلامی با تکیه بر نظام وقف، اداره امور بیمارستان‌ها مستقل شد. در این دوران، اختصاص درآمدهای ثابت و مستمر وقفی به این مراکز، حضور پایدار و طولانی مدت فعالیت بیمارستان‌ها را در جامعه تضمین می‌کرد. مسلمانان برای ساخت بیمارستان پول اختصاص می‌دادند و پس از اتمام بنای آن، با وقف املاک، اراضی و مستغلات، درآمدهای ثابت و مستمری را برای تأمین هزینه‌ها و مخارج آن فراهم می‌کردند.

گاهی نیز با وقف توان جسمی خود، در زمینه بهبود اداره امور بیمارستان‌ها تلاش می‌کردند. به عنوان مثال کسانی عهد می‌کردند به طور مستمر و در روز مشخصی به صورت رایگان برای بیماران با صدای خوش قرآن بخوانند تا به آنها آرامش دهند و یا برخی از طبیبان مسلمان، روزهای مشخصی به صورت رایگان در بیمارستان‌ها به مداوای بیماران می‌پرداختند. تأمین هزینه‌ها و مخارج بیمارستان‌های اسلامی از درآمدهای وقفی سبب می‌شد مردم جامعه با هر گرایش، مذهب و نژادی از آنها به صورت یک‌سان بهره‌مند شوند.

در این مقاله، روشن کردن تفاوت اداره امور بیمارستان‌های اسلامی با سایر تمدن‌های گذشته، پیوند نظام وقف اسلامی با اداره امور بیمارستان‌ها و مشخص نمودن تنوع اوقاف مسلمانان را در این زمینه پی‌می‌گیریم. برای بررسی نظام وقف در بیمارستان‌های اسلامی و آشنا شدن با میزان در آمد و هزینه‌های مصرفی آنها در تأمین مخارج نگهداری و مراقبت از بیماران، تهیه دارو، غذا و لباس، هزینه استخدام و اسکان طیبیان و کارمندان بیمارستان‌ها، باید به کتاب‌ها و اسناد گوناگون مراجعه کرد؛ زیرا در تمدن اسلامی، کتاب مستقلاً درباره این موضوع نوشته نشده است.

وقف در لغت و اصطلاح

وقف در لغت به معنای ایستادن، ماندن و آرام گرفتن است. در اصطلاح فقهی، وقف عقدی است که نتیجه آن، حبس کردن اصل و رها کردن ثمره آن است. به عبارت دیگر، وقف حبس کردن چیزی از طرف مالکش به وجهی که فروش آن ممنوع باشد، به ارث منتقل نشود، قابل هبه و بخشش نباشد، رهن، اجاره، عاریت و از این قبیل موارد داده نشود و صرف کردن آن مال و بهره‌برداری از منافع آن، در جهتی باشد که واقف، آن را معین کرده باشد.

قانون مدنی ایران در ماده ۵۵، وقف را این‌گونه تعریف می‌کند:

وقف عبارت است از این که عین مال حبس (نگاه داشتن مال از نقل و انتقال

و تصرف) و منافع آن تسبیل (واگذاری منافع در راه خدا) شود.^۴

فقه‌های مسلمان براساس آیه‌های قرآن، احادیث و رفتار پیامبر اکرم (ک) و ائمه اطهار: جواز انجام وقف در اسلام را ثابت می‌کنند و شرایط و ضوابط این عمل نیک را به عنوان یکی از اصیل‌ترین انواع صدقه (صدقه جاریه) در کتاب‌های فقهی خود شرح می‌دهند.

وقف در قبل از اسلام

امام شافعی بر این باور است که اعراب، قبل از اسلام با وقف آشنا نبودند و او هیچ‌گونه

روایت تاریخی که دلیلی بر وجود شکلی از اشکال وقف باشد در میان آنها ندیده است. به نظر می‌رسد منظور شافعی، اصطلاح وقف اسلامی در میان اعراب جاهلی باشد؛ زیرا نمونه‌های وقف به معابد در قبل از اسلام وجود داشته است و ملت‌های پیش از اسلام با وقف اموال و املاک آشنا بوده‌اند.

امت‌ها در ادیان مختلف با انواعی از تصرفات مالی آشنا بودند که مفهوم آن، دور از معنای وقف اسلامی نبود. اوقاف ابراهیم خلیل 7 که تا امروز باقی مانده است. بهترین دلیل وجود وقف در پیش از اسلام است.

در میان مسیحیان نیز دادن فدیه به جای گناهان معمول بود. هم‌چنین مسلمانان هنگام فتح شهر شوش ایران در بقعه دانیال نبی 7، سندی به دست آوردند که نشان می‌داد گنجی برای پرداختن وام‌های بدون ربا وقف شده است. خلیفه دستور داد گنج به بیت‌المال شهر منتقل شود و طبق وقف نامه آن عمل گردد.

هم‌چنین در دوران فراعنه مصر نمونه‌هایی از وقف با جنبه مذهبی و دینی وجود داشت و زمین‌هایی برای کارهای عبادی اختصاص یافته بود. منافع و سودهای این زمین‌ها به راهبان سپرده می‌شد تا آن را در میان فقرا و بیماران تقسیم کنند.

وقف در قرآن کریم و سیره پیامبر 6 و ائمه:

آیه‌ای در قرآن کریم وجود ندارد که بر وقف و احکام فقهی آن صراحت داشته باشد اما آیه‌های بسیاری درباره انفاق، احسان، خیرات، باقیات صالحات، نیکی‌ها و بخشش‌ها وجود دارد که می‌توان بر اساس آنها جواز و استحباب وقف را استدلال کرد. آیاتی مانند:

كُنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ؛^۹ الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ
الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا؛^{۱۰} إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَ
نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ.^{۱۱}

در سنت نبوی و ائمه 7 صراحت به مبانی فقهی وقف آشکارتر است. در حدیث

مشهوری از پیامبر 6 آمده است:

إذا مات ابن آدم انقطع عمله الا من ثلاث؛ صدقه جاریه او علم ینتفع به او

ولد صالح یدعوله.^{۱۲}

پیامبر 6 املاکی را وقف کرده بود و در سیره آن بزرگوار، موارد متعددی از وقف وجود دارد. یاران پیامبر 6 به پیروی از آن حضرت 6، چنان به این کار اهتمام می‌ورزیدند که نقل می‌شود در میان نزدیکان و یاران ایشان که توانایی وقف داشتند، کسی یافت نمی‌شود که به این کار اقدام نکرده باشد.

به پیروی از سیره عملی رسول خدا 6، صحابه و یارانش به این عمل اهتمام خاصی ورزیدند و در کتاب‌های تاریخی و حدیثی، موارد گوناگونی از موقوفات یاران رسول الله 6 ثبت شده است. برخی از مهم‌ترین صحابه‌ای که دارای موقوفاتی بوده‌اند. افرادی مانند ارقم بن ارقم، ابوطلحه انصاری، ابوبکر، عمر، عثمان، عبدالرحمن بن عوف، طلحه، زبیر، زید بن ثابت، عبدالله بن عمر، ابودحداح انصاری و عمرو عاص هستند که جزئیات موقوفات ایشان در منابع تاریخی و روایی آمده است.

به دلیل تأکید و تشویق اسلام، املاک و زمین‌های وقفی در سرزمین‌های اسلامی رشد چشم‌گیری یافت. زمین‌های وقفی، نزدیک به یک سوم تمامی زمین‌های زراعی بیشتر نواحی سرزمین‌های اسلامی را در بر می‌گرفت. این امر در مصر، شام و ترکیه محسوس است.

با پیروی از قرآن و سیره پیامبر اکرم 6، ائمه: و پیشوایان دینی نیز به سنت وقف عمل می‌کردند و پیروان خود را به این امر سفارش می‌نمودند. امیرالمؤمنین حضرت علی 7 موقوفات بسیاری را از خود به یادگار گذاشت. برخی از موقوفات و وقف نامه‌های آن حضرت 7 در کتاب‌های تاریخی و حدیثی آمده است.

وی در عمر با برکتش، چند چشمه و مزرعه احداث کرد و آنها را وقف نمود. باغ‌های ابونیزر و بغیغه از املاک معروفی بودند که آن حضرت 7 پس از آباد کردن و سروسامان

بخشیدن به چشمه‌هایشان، آنها را وقف کرد. ایشان سرپرستی و نگهداری از این دو باغ را برعهده ابونیزر سپرد و با خط خویش، وقف نامه‌ای برای آنها تنظیم نمود.

راویان و مورخان، موقوفات امیرالمؤمنین حضرت علی 7 را بیش از این‌ها نقل کرده‌اند و علاوه بر آن چه گذشت، باغ‌ها و زمین‌های ینبع، سویقه، ارینه، رعد، رزین، ترعه، حره الرجلی، را از موقوفات آن حضرت می‌دانند.

جانشینان امیرالمؤمنین حضرت علی 7 نیز در امر وقف کوشا بودند و موقوفات بسیاری داشتند که معرفی همه آنها در این جا نمی‌گنجد. گزیده‌ای از موقوفات ائمه: در کتاب عیون اخبار الرضا معرفی شده است که نشان دهنده اهتمام این بزرگواران به سنت حسنه وقف در اسلام است.

ائمه اطهار: برای حفظ و حراست از موقوفات، نایب و یا نماینده‌ای بر می‌گزیدند تا موقوفه‌ها را به صورت صحیح اداره نمایند و از منفعت آنها در راه رضای خدا و ترویج اندیشه‌های خویش بهره جویند. حتی اگر موقوفه‌ها در دوردست هم بود، ائمه: آنها را رها نمی‌کردند و با ارسال وکلا و نمایندگان خود، از نابودی آنها جلوگیری می‌نمودند.

کارکردهای وقف در جامعه اسلامی

۱. نقش وقف در تأمین اجتماعی

وقف صدقه‌ای جاری و درآمدی همیشگی برای تأمین نیاز نیازمندان، فقرا، در راه ماندگان و بردگان محسوب می‌شود. هر چه درآمدهای وقفی در جامعه‌ای بیشتر باشد از میزان فقرا و بیچارگان آن جامعه کاسته می‌شود.

۲. نقش وقف در گسترش علوم و فنون

پیشرفت علوم در قلمرو اسلامی تا حد زیادی مدیون اوقاف بی‌شماری بود که حاکمان و مردم برای مدارس، مکتب‌خانه‌ها، مساجد، کتابخانه‌ها، بیمارستان‌ها و سایر مراکز آموزشی، فرهنگی و عام‌المنفعه وقف می‌کردند.

۳. نقش وقف در تألیف قلوب

وقف به عنوان شکل خاصی از صدقات که درآمدهایی ثابت و مستمر دارد در اتحاد میان افراد جامعه مؤثر بود. مسیحیان، یهودیان و پیروان سایر مذاهب که تحت حمایت مسلمانان به سر می‌بردند در استفاده از امکانات وقف یکسان بودند. بیمارستان‌های وقفی مسلمانان بدون توجه به مذهب، ملیت و شغل، افراد را می‌پذیرفتند و به صورت یکسان برای رفع مشکلاتشان تلاش می‌کردند.

۴. نقش وقف در تأمین بهداشت و درمان

از آن‌جا که طب و درمان، یکی از نیازهای همیشگی جامعه به شمار می‌رود، واقفان برای کاستن از مشکلات مردم، اقدام به ساخت بیمارستان و استخدام طبیبان ماهر برای آن می‌کردند. مخارج این بیمارستان‌ها از درآمد موقوفاتی تأمین می‌شد که برای آنها قرار می‌دادند. افرادی نیز نیروی فکری و جسمی خود را وقف بیمارستان می‌کردند.

بیمارستان در لغت و اصطلاح

بیمارستان کلمه‌ای فارسی است که از کلمه بیمار و پسوند مکان ستان تشکیل شده است. این کلمه در زبان عربی نیز به کار می‌رود. در گذشته این اسم به خانه و عمارتی گفته می‌شد که برای پرستاری و مداوای افرادی بی‌بضاعت به صورت رایگان اختصاص داده شده بود. مارستان دگرگون شده به معنای تیمارستان به کار می‌رفت.

در اندلس «مالاستان»، در مصر «مرستان» و در مغرب «میستران» تلفظ می‌گردید و در همه موارد به معنای مریض‌خانه و دارالشفاء بود در وقف نامه تمغاج بغرا، نخستین پادشاه مسلمان قراخانی برای بیمارستان سمرقند، لفظ دارالمرضی به کار رفته است. در عهد سلجوقی، دارالعافیة و دارالشفاء دیده می‌شود. هم‌چنین عثمانیان لفظ دارالصحة، شفاخانه، بیمارخانه و خسته‌خانه به کار می‌بردند و در جهان عرب لفظ مستشفی مشهور

است.

امروزه بیمارستان مکانی است با تشکیلات منظم برای عرضه خدمات درمانی، جراحی و پرستاری که بیماران را در آن بستری و معالجه می‌کنند.

بیمارستان قبل از اسلام

روند ساخت بیمارستان به دست انسان، تاریخی پیچیده دارد. ماجرای ساخت آن از هندوستان آغاز می‌شود و در مصر، یونان، روم و ایران ادامه می‌یابد. این امر در عهد اسلامی با پیوستن به نظام وقف، گسترش چشم‌گیری می‌یابد تا به ساخت نمونه‌های مدرن آن در جهان امروز ختم می‌شود.

در ادبیات هند آمده است در شش قرن قبل از میلاد، بودا برای هر ده روستا، یک پزشک معین کرد و برای مداوای افراد فلج، بیمار و بیچاره، بیمارستان ساخت. پسرش اوپاتیستو و پیروانش، کار او را تداوم بخشیدند. و بیمارستان‌های دیگری ساختند. مصری‌ها در کار تشریح و پزشکی ماهر بودند اما به طور معمول کارهای پزشکی خود را در منازل، معابد و دربار فراغنه انجام می‌دادند و مکان خاصی مانند بیمارستان نداشتند. در یونان و روم، محل معاینه و معالجه بیماران به پیروی از مصر باستان، معابد بود. در ابتدا مداوای بیماران با خرافات صورت می‌گرفت اما کم‌کم در معابد، کارهای علمی طبی شروع شد. بقراط حکیم در یکی از معابد کوس از راه معاینه، به معالجه بیماران می‌پرداخت و علاوه بر ترمیم شکستگی، جراحی می‌کرد.

با ظهور حضرت عیسی 7 و پیشرفت مسیحیت، بیمارستان قسمتی از کلیسا شد و جای معابد یونان و روم را گرفت. در کنار کلیساها، مکانی برای مراقبت از بیماران ساخته می‌شد تا این که در سال ۳۳۵ م امپراتور روم، کنستانتین فرمان داد بیمارستانی مستقل از کلیسا بسازند. ژوستینین نیز در سال ۳۶۹ م بیمارستان بزرگی را بنا کرد که مهم‌ترین کانون پذیرایی بیماران، پیران و یتیمان در آن زمان بود اما پس از آن، ساخت بیمارستان در میان رومیان تداوم نیافت.

در ایران ساخت بیمارستان و توجه به مداوای بیماران به حدود صد سال پس از درگذشت زرتشت باز می‌گردد. یکی از شاگردان وی به نام سننپوراهرم ستوت آموزشگاه علمی - پزشکی اکباتان را بنا نهاد. با توجه به این پیشینه علمی - فرهنگی و به تقلید از پزشکان رومی، سریانی، ایرانی و هندی را در آن جمع کرد. این مکان علاوه بر یک مرکز پزشکی، مکانی معروف برای تربیت پزشکان گردید و تا دوران اسلامی به فعالیت ادامه داد.

بیمارستان‌های دوره اسلامی

ابن هشام اولین مرکز درمانی اسلام را چادری معرفی می‌کند که به دستور پیامبر 6 در مسجدالنبی برای مداوای مجروحان جنگ خندق برپا شد و زنی به نام رفیده انصاری در آن به مداوای سعد بن معاذ انصاری پرداخت. هم‌چنین به دستور پیامبر 6، برخی از زنان برای مداوای زخمیان در غزه‌ها شرکت می‌کردند.

با این وجود، اولین بیمارستان اسلامی را ولید بن عبدالملک اموی در سال ۸۸ ق در دمشق ساخت. تعدادی پزشک در آن به کار مشغول شدند. دیوانگان و جذامیان را در قسمتی از آن جمع‌آوری کردند و تحت مراقبت قرار دادند. هم‌چنین برای اداره آن، بودجه‌ای تعیین شد. این بیمارستان تا انقراض دولت اموی، تنها بیمارستان صدر اسلام بود.

هارون الرشید، اولین بیمارستان عباسیان را به تقلید از چندی شاپور در بغداد ساخت و ماسویه را مدیر آن نمود. در همین زمان برامکه، بیمارستانی در بغداد ساختند. و ابن دهن هندی را به ریاست آن گماشتند. هم‌چنین فتح بن خاقان، وزیر متوکل عباسی در سال ۲۴۷ ق، بیمارستان معافر فسطاط را ساخت. در ری در قرن سوم و چهارم هجری، بیمارستان مشهوری بود که زکریای رازی، طبیب نامدار مسلمان، ریاست آن را برعهده داشت. به استناد قراین تاریخی و جغرافیایی این بیمارستان را می‌توان بازمانده از روزگار پیش از اسلام برشمرد.

تواریخ اسلامی از ساخت بیمارستانی به وسیله سلسله صفاریان خبر می‌دهد. این بیمارستان را عمرولیث صفاری، برادر یعقوب در قرن سوم هجری در زرنند کرمان ساخت. در همان قرن سوم هجری در سال ۲۵۹ ق، احمد بن طولون، حاکم مصر در قطایع با صرف شصت هزار دینار، بیمارستان بزرگی ساخت. کافور اخشیدی به سبک این بیمارستان در سال ۳۴۶ ق در فسطاط بیمارستانی به نام الاسفل تأسیس کرد.

با فرا رسیدن قرن چهارم هجری، رواج بیمارستان سازی در مرکز خلافت عباسیان سرعت یافت. در اوایل آن قرن، در سال ۳۰۶ ق در بغداد، بیمارستان سیده (به نام مادر مجدالدوله بویه) به دست سنان بن ثابت افتتاح شد. در همان سال مقتدر عباسی، بیمارستان دیگری در بغداد افتتاح کرد که به بیمارستان مقتدری معروف شد. علاوه بر این دو بیمارستان، ابن فرات، وزیر معروف در سال ۳۱۰ ق و بحکم ترک در سال ۳۳۰ ق در بغداد بیمارستان ساختند.

با وجود این بیمارستان‌ها، مشهورترین بیمارستان قرن چهارم هجری، بیمارستان عضدی بغداد بود که عضدالدوله آن را ساخت و تا سال ۶۵۶ ق پا برجا بود. در این سال هلاکوخان مغول پس از فتح بغداد، آن جا را به مرکز ستاد نظامی تبدیل کرد و بر اثر همین امر ویران شد.

از دیگر بیمارستان‌های معروف اسلامی باید به بیمارستان‌های اصفهان که ابن مندویه اصفهانی در آن طبابت می‌کرد. بیمارستان ترمذ، بیمارستان فیروز آباد فارس، و بیمارستان‌های ابوسعید نیشابوری (م. ۴۰۷ ق) معروف به خرگوشی و خواجه نظام الملک طوسی در نیشابور اشاره کرد.

وصف ابن بطوطه از بیمارستان خوارزم و ابن بیطار از بیمارستان مرو در شرق قلمرو اسلامی در قرن‌های بعد خواندنی است. در غرب اسلامی نیز، سنت بیمارستان سازی را امیران اغلبی آفریقیه آغاز کردند. آنها در اوایل قرن سوم هجری در قیروان بیمارستان ساختند. بیمارستان سازی به سرعت در اندلس اسلامی گسترش یافت، چنان که مقری خبر می‌دهد که تنها در شهر قرطبه پنجاه بیمارستان وجود دارد.

بعدها امیران موحدی و مرینی پرچم‌دار ساخت بیمارستان‌های پیشرفته اسلامی در مغرب شدند. با وجود گسترش روند بیمارستان‌سازی در سراسر قلمرو اسلامی، معروف‌ترین و پیشرفته‌ترین بیمارستان‌های مسلمانان قبل از خلافت عثمانی در حوزه مصر و شام و در دوران اتابکان زنگی، ایوبیان و ممالیک به ظهور رسید. بیمارستان نوری دمشق، بیمارستان‌های سلطان صلاح‌الدین ایوبی در اسکندریه و قاهره و بیمارستان منصوری سلطان منصورین قلاوون در عهد ممالیک، برجسته‌ترین آنها بودند.

نظام وقف در بیمارستان‌های اسلامی

آغاز توجه انسان به امور درمانی و شفای بیماران، قدمتی به درازای تاریخ بشر دارد اما به نظر نمی‌رسد تلاش‌های محدود انسان برای شفای بیماران و مبارزه با بیماری‌ها در ابتدا، راهی برای کسب درآمد در نزد افرادی خاص بوده است و یا بیماران را متحمل پرداخت هزینه می‌کردند. در مرحله بعد که امور درمانی، ضمیمه معابد کلیساها گردید هزینه‌های آن از طریق وجوهاتی تأمین می‌شد که مردم به این مکان‌های مقدس پرداخت می‌کردند.

وقتی امپراتوران ایران و روم اقدام به ساخت بیمارستان‌هایی مستقل از معابد و کلیساها کردند، هزینه‌ها و مخارج این مکان‌ها را برعهده گرفتند و آن را از بودجه دولتی پرداخت می‌کردند. این روند در آغاز حکومت‌های اسلامی در میان مسلمانان نیز مرسوم بود و کسانی چون ولید بن عبدالملک اموی و هارون الرشید عباسی پس از ساخت بیمارستان‌های خود در دمشق و بغداد، هزینه‌ها و مخارج آنها را از بودجه عمومی دولت پرداخت می‌کردند.

اختصاص بودجه از طرف حکام، برای اداره بیمارستان‌ها، مشکلاتی را در این امر در پی داشت؛ زیرا به دلیل عدم علاقه جانشینان و حاکمان بعدی در توجه به این مراکز و یا ضعف اقتصادی دولت‌ها در مراحل بعد، کم‌کم به این بیمارستان‌ها بی‌توجهی می‌شد و به دلیل عدم تأمین مخارج و هزینه‌ها تعطیل می‌شدند. حاکمان و بزرگان مسلمان که متوجه

این امر شدند، پس از ساختن مرکز درمانی املاک و مستغلاتی را وقف آن می‌کردند تا درآمدهای آن‌جا صرف هزینه‌های بیمارستان شود. بنابراین با درگذشت مؤسس بنا و یا ضعف اقتصادی دولت، امور بیمارستان مختل نمی‌شد و درآمدهای ثابت و مستمر، ادامه فعالیت آن را تضمین کرد.

مسلمانان، بیمارستان‌ها را به سبب نقش مهمی که در کمک به بیماران، بیچارگان و درماندگان داشتند. یکی از مکان‌های مهم عام المنفعه تشخیص می‌دادند و موقوفات بسیاری را برای ساخت، تجهیز و ارتقای امکانات بیمارستان‌ها اختصاص می‌دادند. به همین سبب بیمارستان‌های بی‌شمار ساخته شدند و در سراسر سرزمین اسلامی از اندلس در غرب تا ماوراءالنهر در شرق، با کمک موقوفات اداره می‌شدند.

تأمین مخارج بیمارستان‌ها با وقف سبب می‌شد پذیرش بیمار در آنها بدون گزینش باشد و تمام مردم قلمرو اسلامی با هر نژاد، جنسیت و مذهبی از خدمات آنها یکسان استفاده کنند. استفاده از بیمارستان‌ها به دلیل تأمین هزینه‌های آنها از طریق وقف، هزینه‌ای را بر بیماران تحمیل نمی‌کرد. بنابراین فقرا و ثروتمندان به طور مساوی از خدمات آنها برخوردار می‌شدند.

وجوهات نقدی، اولین و بیشترین وقفی بود که در ابتدا به بیمارستان‌ها تعلق می‌گرفت. زیرا برای ساخت بنای بیمارستان و مرکز درمانی، تأمین بودجه کافی، لازم و ضروری بود. خلفا حکام و پادشاهان مسلمان با کنار گذاشتن مبلغی معین، کار بنای ساختمان بیمارستان را به انجام می‌رساندند و سپس برای تأمین مخارج و هزینه‌های بیمارستان، اقدام به وقف برخی از املاک، اراضی و مستغلات خود می‌کردند.

ثروتمندان جامعه اسلامی با پیروی از آموزه‌های قرآن و سنت پیامبر⁶ برای بهره بردن از ثواب باقیات صالحات، با وقف پول، املاک، اراضی و مستغلات متعدد، درآمدهای بیشتری را برای بیمارستان‌ها تضمین می‌کردند. بیمارستان‌ها نیز به سبب داشتن درآمدهای کافی و مستمر، مستقل از افول و ضعف حکام و دولت‌ها، جایگاه خود را در جامعه حفظ می‌کردند و تا زمانی که امور موقوفات آنها مختل نمی‌شد به فعالیت خود ادامه

می دادند.

میزان توجه مسلمانان به وقف در تاریخ تمدن اسلامی در زمینه خدمات عام‌المنفعه و به خصوص بخش صحت و تندرستی، گسترده و قابل توجه است. هزینه‌ها و مخارج بسیاری از بیمارستان‌ها و مراکز درمانی سراسر قلمرو اسلامی از طریق موقوفات تأمین می‌شد. بیشتر بیمارستان‌های اسلامی از طریق اوقاف یا اموالی که امیران، وزیران و ثروت‌مندان مسلمان می‌بخشیدند و یا در وصیت‌نامه‌های خود، سهمی برای آنها مقرر می‌کردند. اداره می‌شدند. آن چه بودجه بیمارستان‌ها را به طور مستمر تضمین می‌کرد اراضی، زمین‌ها و مستغلاتی بود که مسلمانان برای این مراکز وقف می‌کردند. حقوق پزشکان، کارکنان، هزینه درمان، دارو، بستری شدن و مراقبت از بیماران و تغذیه ایشان به همین شیوه تأمین می‌شد. بیمارستان‌ها گذشته از نقش درمانی، مکانی برای تعلیم طب بودند و در کنار آنها خانه‌هایی وقفی قرار داشت که محل سکونت طبیبان و کارکنان بود.

غیر از بیمارستان‌های عمومی بزرگ که مستقل بودند، بیشتر مدارس بزرگ اسلامی دارای بیمارستانی وقفی، جهت مداوای بیماران و تعلیم دانشجویان طب بودند. ساخت انواع مختلف بیمارستان، تهیه و تجهیز وسایل، تأمین حقوق و اسکان طبیبان، کارکنان و پرستاران آن بستگی به میزان موقوفاتی داشت که مسلمانان برای این بناها وقف می‌کردند.

طبیعی بود که اگر موقوفه‌ها و درآمد آنها زیاد بود، بیمارستان مجهزتر و کارآمدتر می‌شد و اگر حامی و سازنده اصلی بنا ثروت بیشتری داشت، بیمارستان بزرگ‌تری بنا می‌کرد و موقوفات بیشتری برای تأمین مخارج آن اختصاص می‌داد. امری که به خوبی در بیمارستان‌های عضدی بغداد، نوری دمشق و منصوری قاهره مشاهده می‌شود.

اوقاف در ساخت تمدن اسلامی نقش برجسته و غیر قابل انکاری دارند. نهضت ارتقای زندگی اجتماعی امت اسلامی در گذشته، نتیجه اهتمام خاص مسلمانان به پدیده وقف در تمام زمینه‌های دینی، فرهنگی، بهداشتی، انسانی و اقتصادی بود.

توجه واقفان مسلمان به مراکز بهداشتی و بیمارستان‌ها ممتاز بود. آنها علاوه بر ساخت بیمارستان‌های عمومی بسیار در جامعه، در ایجاد مراکزی برای مداوای بیماران روانی (تیمارستان‌ها) و مراکز نگهداری جذامیان فعال بودند. در داخل بیمارستان‌ها نیز قسمت‌هایی را به طور جداگانه به بیماران خاص، مانند مکانی برای کسانی که تب دارند، دچار شکستگی شده‌اند و یا به بیماری‌های چشم درد مبتلا بودند اختصاص می‌دادند.

مسلمانان علاوه بر آن در ایجاد داروخانه‌ها و مدارس آموزش طب فعال بودند و برای هر کدام از این سازمان‌ها و بخش‌ها، موقوفات مشخص و خاصی را اختصاص می‌دادند.

اهتمام ویژه مسلمانان به امور وقف در زمینه پزشکی و بهداشتی جامعه اسلامی، آن چنان زیاد و گسترده بود که جنبه تخصصی پیدا کرد و در میان موقوفات مسلمانان به مواردی بر می‌خوریم که در وقف نامه‌ها، به طور مشخصی اشاره می‌شود که این وقفی است برای استفاده دانش‌جویان علم طب، یا وقف برای فعالان عرصه داروسازی، مؤلفان کتاب‌های پزشکی و یا وقف برای کسانی که در بیمارستان‌ها از بیماران مراقبت می‌کنند.

در بیمارستان‌های اسلامی که بیشتر از طریق اوقاف اداره می‌شدند برای رفتار و برخورد با بیماران، آداب و روش خاصی وجود داشت در وقف نامه‌ها مقرر شده بود کارکنان و پزشکان بیمارستان به صورتی با بیماران رفتار کنند که روحیه آنها را قوی سازند. هر بیماری مراقبی داشت که با گشاده‌رویی و نیک‌رفتاری او را با خود در باغ‌های موقوفه بیمارستان‌ها در میان گل‌ها همراهی می‌کرد. برای بیماران قرآن را با ترتیل و صدای خوش می‌خواندند تا دل و روانشان آرام گیرد.

با کمک موقوفاتی که مسلمانان به بیمارستان‌ها اختصاص می‌دادند، تمام خدماتی که در مراکز درمانی ارائه می‌شد مانند معالجه، جراحی، تهیه دارو، غذا و هزینه مراقبت از بیماران رایگان بود. هم‌چنین این موقوفات نقش فعالی در نهضت پیشرفت علم طب ایفا می‌کردند؛ زیرا در این مراکز تنها معالجه بیماران انجام نمی‌شد بلکه قسمت‌های مشخصی از درآمدهای موقوفی آنها، صرف تعلیم دانشجویان علم طب بود و اسباب پیشرفت علم پزشکی را فراهم می‌کرد.

این نکته جالب است که در تمدن اسلامی برای حفظ محیط زیست و حقوق حیوانات موقوفاتی اختصاص داده می‌شد، مانند وقف‌هایی برای حفظ ترعه‌ها، نهرها و راه‌ها، اختصاص اوقافی برای حمایت و تغذیه پرندگان حرم شریف مکه و سایر اماکن مقدس در دمشق، قدس و فاس و با اختصاص اوقافی برای حمایت از گربه‌های دمشق، یا حیوانات اهلی رمیده یا گمشده در دمشق بعدها این روش در تمدن اسلامی دامنه گسترده‌تری پیدا کرد و قسمتی از درآمدهای وقفی مسلمانان در بیمارستان‌ها برای بهبود حیوانات و پرندگان صرف می‌شد.

موقوفات بیمارستان‌ها در سرزمین‌های اسلامی

در این بخش، سنت بیمارستان‌سازی مسلمانان را که بر اساس نظام وقف اسلامی اداره می‌شدند در سراسر قلمرو اسلامی از شهرهای اندلس در غرب تا شهرهای لاهور و دهلی در شرق بررسی می‌کنیم.

موقوفات بیمارستان‌های عراق

اقدام هارون الرشید (۱۶۹ - ۱۸۶ ق) در ساختن بیمارستان بغداد به تقلید از جندی شاپور را باید تلاش برای ساختن اولین بیمارستان عراق دانست. این بیمارستان با بودجه دولتی اداره می‌شد. بیمارستان‌های بعدی بغداد؛ یعنی بیمارستان سیده و مقتدری که در سال ۳۰۶ ق به دست سنان بن ثابت افتتاح شدند. هم‌چنین بیمارستان‌های ابن فرات وزیر و بجکم ترک که به ترتیب در سال‌های ۳۱۰ ق و ۳۳۰ ق در این شهر افتتاح شدند. با بودجه‌ای معین از طرف این مؤسسان اداره می‌شد. به عنوان نمونه سیده خاتون بویه‌ی در ماه مبلغ ششصد دینار و مقتدر عباسی، دویست دینار برای بیمارستان‌های خود وقف کرده بودند.

وقف املاک و مستغلات به طور مشخص در بیمارستان عضدی دیده می‌شود. عضدالدوله بویه‌ی (۳۶۶ - ۳۷۲ ق) پس از ساخت دو بیمارستان در بغداد و شیراز برای

مصارف بیمارستان و حقوق کارکنان آنها، موقوفاتی معین کرد. در زمان جانشینان عضدالدوله به دلیل آشوب‌ها، ضعف دولت بویهی و تأمین نشدن موقوفات جدید، امور این بیمارستان مختل شد اما به بقای خود ادامه داد تا این که در سال ۵۶۹ ق به دلیل جاری شدن سیل، بسیار آسیب دید. پس از تعمیر بیمارستان، در همان سال، قسمت جدیدی به نام سوق البیمارستان به آن اضافه شد که شامل ساختمان‌های بسیار با یک بازار بود و تمام درآمدهای آن، صرف هزینه‌های بیمارستان می‌شد.

ابن جبیر پس از سفر به بغداد، این مکان جدید را توصیف می‌کند و می‌گوید:

محلہ سوق البیمارستان بغداد، بسان شهر کوچکی در دل بغداد است که در وسط آن قصری زیبا و بزرگ بوده و اطرافش را خانه‌های متعدد، باغ‌ها و دکان‌های فراوانی در بر گرفته بود که همگی جزو موقوفات بیمارستان بودند و تمام درآمدهای آن صرف هزینه‌های بیمارستان می‌شد. در برخی از خانه‌های آن، پزشکان، داروسازان و دانشجویان علم طب سکونت داشتند. به جز این محلّه به هم پیوسته در محلات و دیگر نواحی بغداد، موقوفاتی از این بیمارستان وجود داشت.^{۶۳}

در عراق در کنار بیمارستان‌های ثابت عمومی، نوعی بیمارستان سیار با موقوفاتی مشخص وجود داشت؛ مثلاً علی بن عیسی وزیر در قرن چهارم هجری، بیمارستان سیاری را وقف زندان‌های شهر کرد که هر روز، چند پزشک ماهر به وسیله آن به زندان‌ها سر می‌زدند و زندانیان را به رایگان معاینه و معالجه می‌کردند. هم‌چنین به دستور او، بیمارستان سیار دیگری به روستاهای جنوب عراق سر می‌زد و پزشکان آن به صورت یکسان به وضعیت بیماران مسلمان و غیر مسلمان رسیدگی می‌کردند. تمام هزینه‌های این دو بیمارستان سیار از راه موقوفاتی تأمین می‌شد که به آنها اختصاص داده شده بود.

موقوفات بیمارستان‌های ایران

بیمارستان جندی شاپور، قدیمی‌ترین بیمارستان فعال در ایران بود که آغاز فعالیتش به پیش از اسلام باز می‌گردد. گروهی نیز آغاز فعالیت بیمارستان ری را که رازی در مقطعی اداره آن را عهده‌دار بود در قبل از اسلام می‌دانند. روند ساخت بیمارستان در ایران در دوران اسلامی در پیوند با نظام وقف اسلامی، گسترش چشم‌گیری یافت.

در نیمه دوم قرن سوم هجری، عمرولیث صفاری (۲۶۵ - ۲۸۹ ق) در زرنند کرمان، بیمارستانی ساخت و در کنارش بازاری بنا نهاد و وقف آن کرد تا مصارف و هزینه‌های بیمارستان را تأمین کند.

بیمارستان ابوسعید نیشابوری (د. ۴۰۷ ق) در موطنش نیز از طریق وقف اداره می‌شد؛ چون ابوسعید توان پرداخت هزینه‌های آن را نداشت. از دیگر بیمارستان‌های معروف نیشابور، می‌توانیم به بیمارستانی اشاره کنیم که خواجه نظام‌الملک طوسی (د ۴۸۵ ق)، آن را در این شهر بنا نهاد و روازنه مبلغ هزار دینار را به آن اختصاص داد که از محل صدقات و موقوفات شهر تأمین می‌شد.

در قرن چهارم هجری نیز بیمارستانی در ترمذ به همت ابوالحسن محمد بن حسن با اوقاف مخصوص و مشخصی بنا نهاده شد. در قرن هفتم هجری، بیمارستان بزرگ صاحبی در یزد به نام شمس‌الدین صاحب دیوان معروف است. او برای تأمین مخارج پزشکان و بیماران، محلی را تعیین و قسمتی از یک روستا را وقف آن کرد.

هم‌چنین بزرگ‌ترین بیمارستان ایران در سده‌های هفتم و هشتم هجری را خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی (م ۷۱۷ ق)، وزیر غازان خان ایلخانی بنا نهاد. او بیمارستانی در تبریز در مجموعه فرهنگی ربع رشیدی ساخت که شامل بخش‌های مختلف درمانی، داروخانه، مسکن پزشکان و کارمندان بود. در وقف نامه آن، ضمن اشاره به اراضی و مستغلات فراوان در شهرهای مختلف، مقرر شده بود که پزشکان شاغل در آن جا، هرکدام کار تعلیم ده دانشجو را برعهده گیرند. مجموعه فرهنگی ربع رشیدی موقوفاتی در همدان، یزد، موصل، مراغه، شیراز، اصفهان و تبریز داشت. موقوفات آن در یزد ۵۶۵ فقره

بود که درآمدهایش به این مرکز فرهنگی انتقال می‌یافت.

موقوفات بیمارستان‌های مصر و شام

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های جهان اسلام در اجرای سنت وقف اسلامی، مصر و شام معرفی می‌شوند. مسلمانان این حوزه اهتمام خاصی به وقف داشتند و گسترده‌ترین و بیشترین اراضی و املاک وقفی در این مناطق موجود بودند مهم‌ترین مدارس و بیمارستان‌های اسلامی در این حوزه پدید آمدند. زیرا مخارج و هزینه‌های آنها از طریق وقف‌های فراوان حاکمان و مردم مسلمان تأمین می‌شد.

آغاز ساخت بیمارستان در میان مسلمانان به همین حوزه باز می‌گردد. ولید بن عبدالملک اموی (۸۶ - ۹۶ ق) در سال ۸۸ ق، اولین بیمارستان اسلامی در دمشق را ساخت. به نظر نمی‌رسد تأمین مخارج این بیمارستان بر اساس نظام وقف بوده است، بلکه خلیفه، خود مخارج آن را برعهده گرفته بود و آن را از بودجه دولت پرداخت می‌کرد. ناصر خسرو قبادیانی (۳۹۴ - ۴۸۱ ق) شاعر و اندیشمند معروف اسماعیلی، در سفر به بیت‌المقدس، بیمارستان این شهر را چنین توصیف می‌کند:

بیت‌المقدس را بیمارستانی نیک است و وقف‌های بسیاری دارد، مردم

بسیاری از دارو و شربت آن سود برند و پزشکان از آن مرسوم ستانند.^{۷۴}

در سال ۵۴۹ ق نورالدین زنگی (۵۱۱ - ۵۶۹ ق) از پول فدیة آزادی پادشاه فرنگ که در یکی از جنگ‌های صلیبی اسیر شده بود، اقدام به ساخت بیمارستان بزرگ دمشق کرد و موقوفات بسیاری را برای تأمین مخارج آن قرار داد. ابن ابی اصیبعه که در این بیمارستان به کار طبابت مشغول بود در کتاب ارزشمندش، وصف دقیقی از موقوفات فراوان و پزشکان شاغل در آن ارائه می‌دهد.

بعدها حاکمان ایوبی و جانشینان سلطان صلاح‌الدین (۵۳۲ - ۵۸۹ ق) به پیروی از بیمارستان نوری دمشق و بیمارستان‌های صلاح‌الدین در مصر، اقدام به ساخت بیمارستان‌های دیگری در شهرهای شام کردند و برای هر کدام اراضی و املاکی را وقف

نمودند.

تاریخ تأسیس اولین بیمارستان اسلامی مصر به سال ۳۴۷ ق باز می‌گردد که در این سال فتح بن خاقان وزیر متوکل عباسی (۲۳۲ - ۲۴۷ ق) در شهر فسطاط، بیمارستانی را تأسیس نمود. بعد از آن مؤسس دولت ترک بنی طولون، احمد در قطایع مصر با صرف شصت هزار دینار، بیمارستانی را بنا نهاده و برای تأمین مخارج آن املاک و مستغلاتی را وقف کرد.

در میان املاک موقوفه، دو حمام مردانه و زنانه بود که تمام درآمدهای آنها به بیمارستان تعلق می‌گرفت. در وقف نامه آن، پس از مشخص کردن املاک و مستغلات موقوفه، مقرر شده بود که سپاهی و مملوک در آن جا معالجه نشوند. و بیمارستان جهت ارائه خدمات به بیماران عمومی و دیوانگان باشد. احمد بن طولون، خود هر جمعه بر این بیمارستان نظارت می‌کرد.

کافور اخشیدی (۳۳۵ - ۳۵۷ ق)، چهارمین حاکم سلسله اخشیدی مصر در سال ۳۴۶ ق به سبک بیمارستان احمد بن طولون، بیمارستانی به نام الاسفل در فسطاط تأسیس کرد و موقوفاتی برای آن تعیین کرد. سلطان صلاح الدین ایوبی (۵۳۲ - ۵۸۹ ق) نیز به سبک بیمارستان نوری دمشق دو بیمارستان مشهور در شهرهای اسکندریه و قاهره مصر، ساخت و املاک و مستغلات فراوانی را در مصر برای مخارج آنها وقف نمود.

بدون شک بزرگ‌ترین و مشهورترین بیمارستان قرون میانه اسلامی را باید بیمارستان منصوری قاهره دانست که سلطان منصور بن قلاوون (۶۷۸ - ۶۸۹ ق) در سال ۶۸۳ ق بنا نهاد. این بیمارستان دارای نظم مشخصی بود و اوقاف بی‌شمار آن برای فراهم کردن امکانات معالجه بیماران و تأمین آسایش پزشکان بسیار زیاد بود. سلطان منصور بسیاری از املاک و مستغلات خود مانند مسافرخانه‌ها، حمام‌ها و اراضی زراعتی بسیاری در شام را جزو املاک وقفی آن قرار داد.

با استفاده از درآمدهای فراوان این اوقاف، امکانات پزشکی و سایر نیازمندی‌های لازم برای معالجه بیماران فراهم می‌شد. در این بیمارستان برای هر گروه از بیماران خاص،

مکان مخصوص مشخص گردیده بود؛ چهار ایوان به بیمارانی که تب داشتند، سالنی به بیماران مبتلا به بیماری‌های چشمی، سالنی به جراحی و سالنی مخصوص زنان قرار داده شده بود. همچنین برخی از قسمت‌های آن، انبار ذخیره دارو و غذا بود.

در این بیمارستان، آموزش طب به صورت نظری و عملی ارائه می‌شد و مکانی مخصوصی برای تدریس طب به وسیله رئیس الاطباء وجود داشت. همچنین این بیمارستان دارای یک کتابخانه مشهور وقفی بود که در آن کتاب‌های فراوانی نگهداری می‌شد. علاوه بر آن، یک باغ بسیار بزرگ و وسیع برای کشت گیاهان دارویی، وقف آن شده بود.

همچنین به سبب فراوانی درآمدهای بیمارستان از طریق املاک فراوان وقفی، هزینه معالجه، دارو و غذایی بیماران رایگان بود و پس از بهبود بیمار، لباس و مقداری پول در اختیار او قرار داده می‌شد تا در دوران نقاهت استراحت کند و مجبور به کار نباشد.

در کنار حجم بسیار زیاد اوقاف مادی، گروهی از مردم، توانایی‌های جسمی خود را وقف این بیمارستان بی نظیر کرده بودند. گروهی از ایشان با صدای خوش در این بیمارستان، قرآن تلاوت می‌کردند تا بیماران دردمند آرامش یابند. گروهی دیگر برای آرامش بیماران، موسیقی می‌نواختند و قصه‌گویان برای بیماران قصه می‌گفتند. دسته‌ای دیگر با اجرای نمایش‌های ملی مضحک و کمدی در حضور بیماران، از دردها و آلام آنها می‌کاستند.

موقوفات بیمارستان‌های مغرب و اندلس

سنت بیمارستان سازی در غرب اسلامی را امیران اغلبی افریقه آغاز کردند. ایشان در اوایل قرن سوم هجری در قیروان، بیمارستانی ساختند. این بیمارستان متشکل از اتاق بیماران، مکانی برای عیادت بیماران، مسجدی کوچک برای عبادت و یک حجره برای تدریس طب بود. مخارج این بیمارستان از طریق درآمدهای اوقاف اداره می‌شد و پرستارانی سودانی در کنار پزشکان از بیماران مراقبت می‌کردند. پس از آن، سنت بیمارستان سازی به سرعت در اندلس اسلامی گسترش یافت. چنان که مقری بیان می‌کند.

تنها در شهر قرطبه پنجاه بیمارستان وجود دارد.^{۹۲}

بعدها امیران موحدی و مرینی پرچم‌دار ساخت بیمارستان‌های پیشرفته اسلامی در مغرب شدند. نخستین بیمارستان مغرب را ابویعقوب منصور موحدی (۵۸۰ - ۵۹۶ ق) در فاس ساخت. او مشهورترین پزشکان عهد خود در اندلس هم‌چون ابن طفیل، ابن رشد، ابن زهر و پسرش را به دربار خویش فراخواند و در این بیمارستان به کار گمارد. ابویعقوب با اختصاص املاک و مستغلات فراوانی در مغرب و اندلس، استمرار درآمد برای بیمارستانش را تضمین کرد. هم‌چنین او برای دیوانگان، جذامیان و نابینایان بیمارستان‌های جداگانه‌ای با اوقاف مشخص، بنا نهاد. از عبدالواحد مراکشی نقل است که می‌گوید:

بیمارستانی که ابویعقوب منصور در شهر فاس بنا نهاد و آن را وقف کرد در دنیا نظیر ندارد؛ زیرا محوطه‌ای وسیع و بزرگ در دل شهر را در بر گرفته و آب‌های فراوانی در آن جاری است که همه اتاق‌ها به آن دسترسی دارند. سلطان فرش‌های گران‌بهای از پشم، کتان، حریر و چرم که ارزش آنها وصف نشدنی است و حاوی نقش‌های فراوانی از درختان، آب‌ها و استخرها هستند، وقف آن‌جا کرده است و ارائه دارو، غذا و خدمات به بیماران در آن رایگان است. به دلیل

درآمدهای فراوان املاک موقوفه، داروسازان در آنجا مشغول ساختن داروها، شربت‌ها و روغن‌های مختلف برای بیماران هستند و کارکنانی لباس‌های شبانه و روزانه بیماران را تعویض می‌کنند. در دوران نقاهت بیماری نیز به بیمار، مقداری پول پرداخت می‌شد که تا زمان بهبودی کامل استراحت کند.^{۹۳}

بعدها سلاطین معروف بنی مرین مانند ابویعقوب یوسف، ابوالحسن و ابوحنان مرینی در حفظ مراکز درمانی کوشیدند و با اختصاص اوقاف بیشتر به کار آنها تداوم بخشیدند. هم‌چنین ایشان بیمارستان‌های دیگری تأسیس کردند. ابن بطوطه درباره ابوحنان مرینی (۷۵۰ - ۷۶۰ ق) می‌نویسد:

او در هر شهری از قلمرو خود، بیمارستانی ساخته و برای تأمین هزینه پزشکان، دارو و غذای بیماران، موقوفاتی اختصاص داده بود.^{۹۴}

از دیگر بیمارستان‌های معروف این خاندان باید به بیمارستان سیدی فرج فاس اشاره کرد که سلطان یوسف بن یعقوب مرینی آن را بنا نهاد و مغازه‌ها و اماکن بسیاری را وقف آن کرد. از جمله نکات جالب توجه این بیمارستان، اختصاص قسمت مشخصی از موقوفات آن برای علاج لک‌لک‌های مهاجر و یا استفاده از موسیقی برای آرامش دادن به بیماران دردمند بود.

بعدها با روی کار آمدن امیرانی که این موقوفات را تصاحب کردند، اداره امور این بیمارستان‌ها رو به افول نهاد.

کتاب‌خانه‌های موقوفه در بیمارستان‌های اسلامی

وقف کتاب و کتاب‌خانه در میان مسلمانان تنها به کتاب‌خانه‌های عمومی، مساجد و مدارس محدود نبود. مسلمانان در بیمارستان‌ها نیز به ساخت و وقف کتاب‌خانه‌هایی می‌پرداختند که پزشکان و دانشجویان علم طب از آنها بهره‌مند می‌شوند. یکی از کتاب‌خانه‌های وقفی داخل بیمارستان، کتاب‌خانه بیمارستان احمد بن طولون در قسطنطنیه

مصر بود که در سال ۲۵۹ ق ساخته شد. در این کتابخانه، گنجینه‌ای از کتاب‌ها قرار داشت که تعداد مجلدات آن، بیشتر از صد هزار جلد در زمینه پزشکی و سایر علوم بود. یکی دیگر از کتابخانه‌های موقوفه بیمارستان‌ها، کتابخانه بیمارستان عضدی بغداد بود. که عضدالدوله بویه در قرن چهارم هجری پس از ساخت بیمارستان، کتابخانه‌ای بزرگ را وقف آن کرد. هم‌چنین کتابخانه بیمارستان نورالدین زنگی در دمشق معروف بود و در آن، دو گنجینه از کتاب‌های وقفی قرار داشت که بیشتر آنها درباره علم پزشکی بودند. در آخر باید به کتابخانه معروف بیمارستان منصورى قاهره اشاره کنیم که دارای کتاب‌های بسیاری بود. این نفیس (د. ۶۸۷ ق) دانشمند و طبیب برجسته مصری که مدتی در این بیمارستان مشغول به کار بود، تمام کتاب‌های خود را وقف آن نمود.

نتیجه

پیوند نظام وقف اسلامی با سنت ساخت بیمارستان‌ها، دلیل اصلی شکوفایی ساخت مراکز درمانی در سراسر سرزمین‌های اسلامی اندلس در غرب تا ماوراءالنهر و کرانه‌های سند در شرق اسلامی بود. حاکمان مسلمان رسیدگی به امور درمانی مردم و ساخت بیمارستان را از وظایف مهم خود می‌دانستند. ایشان پس از ساخت بیمارستان، موقوفاتی را برای تداوم کار و اداره امور آن اختصاص می‌دادند. ثروت‌مندان و سایر مردم، هر یک نسبت به توان خود و به پیروی از سفارش‌های فراوان اسلام، املاک و مستغلاتی را برای اداره بهتر بیمارستان‌ها وقف می‌کردند.

استقلال مالی و درآمدی بیمارستان‌های اسلامی، اصلی‌ترین علت تداوم کار آنها در طول زمان بود؛ زیرا اداره امورشان در هنگام ضعف و افول حکام و دولت‌ها مختل نمی‌شد و هزینه‌های اداره این بیمارستان‌ها از موقوفاتی تأمین می‌شد که هر از گاهی با جای‌گزین شدن املاک و مستغلات جدید افزایش می‌یافت.

از نکات جالب، تنوع فراوان موقوفه‌های مسلمانان برای بیمارستان‌ها است. وقف تخصص یا توان جسمی برای بیمارستان‌ها از طرف پزشکان و یا دیگر مسلمانان دامنه

گسترده این سنت حسنه را در جامعه اسلامی نشان می‌دهد تأمین هزینه‌های بیمارستان‌های اسلامی به وسیله نظام وقف، استفاده از امکانات آنها را برای تمام افراد جامعه اسلامی به صورت رایگان فراهم می‌کرد.



پی نوشت ها

- . محمدبن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، الطبعة الاولى، بيروت: دارصادر، ۱۳۰۰ق، ص ۳۹۵.
- . میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، چاپ اول، قم: موسسه آل البيت الاحياء التراث، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۴، ص ۴۷.
- . محمدجواد مغنیه، الفقه على مذهب الخمسه، الطبعة الاولى، بيروت: بی نا، ۱۴۰۲ ق، ص ۵۸۵.
- . سیدحسن امامی، حقوق مدنی، چاپ سیزدهم، تهران: کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۷۳ ش، ص ۶۸ - ۶۹.
- . محمدبن ادريس شافعی، کتاب الام، الطبعة الثانية، بيروت: دارالفکر، ۱۴۳۰ ق، ج ۲، ص ۵۴.
- . محمد الکیسی، احکام وقف در شریعت اسلام، ترجمه گلدر صادقی، چاپ اول، تهران: سازمان حج و اوقاف، بی تا، ص ۳۷ - ۳۸.
- . ابوسعید احمد بن سامان، مقدمه ای بر فرهنگ وقف، تهران، اداره کل حج و اوقاف، بی تا، ص ۱۱.
- . منذر قحف، الوقف فی دائرة المعارف العالم الاسلامی الحدیث لاکسفورد، نیویورک، بی نا، ۱۹۹۵ م، ج ۴، ص ۱۰.
- . آل عمران (۳) آیه ۹۲.
- . کهف (۱۸) آیه ۴۶.
- . یس (۳۶) آیه ۱۲.
- . ابن حجر عسقلانی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، قاهره: المكتبة السلفية، ۱۴۰۸ ق، شماره ۱۴۶۱؛ یحیی بن شرف النووی، صحیح مسلم بشرح النووی، بيروت: دارالکتب العلمیه، بی تا، ج ۳، ص ۵۶۶؛ تاج الدین شعیری، جامع الاخبار، قم: انتشارات رضی، ۱۳۶۳، ص ۱۰۵؛ ترجمه: اگر انسان بمیرد، پرونده اعمالش بسته می شود مگر از سه طریق، وقفی که انجام داده، علم

- سودمندی که بر جای گذاشته و یا فرزند صالحی که برای او دعای خیر کند.
- . محمد بن حسن حر عاملی، *وسائل الشیعه*، چاپ اول، قم: موسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۱، ص ۵۶۲.
- . ابن قدامه، *المغنی*، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۴ ق، ۱۹۹۴ م، ج ۶، ص ۲۰۶ - ۲۰۷.
- . عبدالحی کتانی، *نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، چاپ اول، قم: انتشارات سمت، ۱۳۸۴، ص ۱۹۲ - ۱۹۵.
- . منذر قحف، *الدور الاقتصادي فی تنمیه المجتمع المدني*، بیروت: کنفرانس نظام الوقف و المجتمع المدني فی الوطن العربي، ۱۴۲۲ ق، ص ۴ - ۵.
- . یاقوت حموی بغدادی، *معجم البلدان*، دارصادر، بیروت: الطبعه الثانيه، ۱۹۹۵ م، ج ۴، ص ۱۷۶.
- . اردشیر کشاورز، *زندگان عرصه عشق*، چاپ اول، کرمانشاه: انتشارات طاق بستان، ۱۳۸۲، ص ۱۸۳.
- . مؤلف نامعلوم، *عیون اخبار الرضا*، ترجمه علی‌اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید، چاپ اول، تهران: صدوق، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۷۱ - ۷۳.
- . محمدرضا جباری، *سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه*، چاپ دوم، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی، ۱۳۸۲، ص ۲۹۵.
- . ابراهیم بن محمد المزمینی، *الوقف و اثره فی تشیید بنیة الحضاره الاسلامیه*، ریاض: جامعه محمد بن سعود الاسلامیه، بی تا، ص ۱۳.
- . جرجی زیدان، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۹، ص ۶۲۷.
- . شهابی، *مقدمه‌ای بر سنت وقف در اسلام*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹، ص ۳۱ - ۳۲.
- . محمدرضا شاه، *فرهنگ جامع فارسی*، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران: کتابفروشی خیام، ۱۳۶۳، ج ۱، حرف ب.
- . مقاله بیمارستان صادق سجادی.

[http:// www. Encyclopediainlamica. Com/madkhal 2. php](http://www.Encyclopediainlamica.Com/madkhal 2. php).

- . حسن انوری، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۱، ج ۲ حرف ب.
- . محمود نجم آبادی، *تاریخ طب در ایران*، تهران: چاپ هنربخش، ۱۳۴۱، ج ۱، ص ۳ -

۸.

- . جوزف گارلند، تاریخ پزشکی، ترجمه علی اکبر مجتهدی، تهران: کتابفروشی حاج محمد باقر کتابچی حقیقت، ۱۳۴۱، ص ۷۱.
- . محمود نجم آبادی، پیشین، ج ۱، ص ۷ - ۱۴.
- . عبدالعظیم رضایی، گنجینه تاریخ ایران، تهران: انتشارات اطلس، ۱۳۷۳، ص ۸۶۳.
- . ابن هشام، السیرة النبویة، الطبعة الاولى، قاهره: مصطفى سقا، ابراهیم انباری و عبدالحفیظ شبلی، ۱۹۵۵ م، ج ۳، ص ۲۳۹.
- . حسین نصر، علم و تمدن در اسلام، تهران: نشر اندیشه، ۱۳۵۰، ص ۷۵.
- . جرجی زیدان، پیشین، ص ۶۰۸.
- . محمد بن اسحاق، ابن ندیم، الفهرست، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۱، ص ۵۳۶.
- . احمد بن علی مقریزی، المواعظ و الاعتبار فی ذکر الخطط و الآثار، بولاق، بی نا، ۱۲۷۰ ق، ج ۲، ص ۴۰۵؛ جرجی زیدان، پیشین، ص ۶۰۸.
- . حسن کریمان، ری باستان، چاپ اول، تهران: بی نا، ۱۳۴۹، ج ۲، ص ۳۶۲.
- . ابراهیم بن محمد اصطخری، المسالك و الممالک، لیدن، چاپ دخویه، ۱۹۶۱ م، ص ۸۱.
- . احمد بن علی مقریزی، پیشین، ج ۲، ص ۴۰۵ - ۴۰۶.
- . علی بن یوسف ابن قفطی، تاریخ الحکماء، بی جا: لایپزیک، ۱۹۰۳ م، ص ۱۹۳ - ۱۹۵؛ موفق الدین احمد بن سدید الدین ابن ابی اصیبعه، عیون الانباء فی طبقات الاطباء، الطبعة الاولى، بیروت: نزار رضا، ۱۹۶۵ م، ص ۳۰۲ - ۳۰۴.
- . سریل الگود، تاریخ پزشکی ایران، ترجمه محسن جاویدان، تهران: شرکت انتشارات اقبال و شرکا، بی تا، ص ۲۲۳ - ۲۵۰.
- . محمود نجم آبادی، پیشین، ج ۲، ص ۷۶۸.
- . محمدبن علی ابن حوقل، صورة الارض، لیدن، چاپ کرامرس، ۱۹۶۷ م، ص ۴۵۴ - ۴۵۵.

- . ابن بلخی، *فارسنامه*، لندن: گای لسترنج و رینولد نیکلسون، ۱۹۲۱ م، ص ۱۳۹.
- . عبدالرحیم بن حسن اسنوی، *الطبقات الشافعیه*، بیروت: کمال حسن حوت، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۲۲۹ - ۲۳۰.
- . عبدالوهاب بن علی سبکی، *الطبقات الشافعیه الکبری*، قاهره: محمود طناحی و عبدالفتاح حلو، ۱۹۶۴ - ۱۹۷۶ م، ج ۴، ص ۳۱۴.
- . ابن بطوطه، *رحله ابن بطوطه*، بیروت: محمدعبدالمنعم عریان، ۱۴۰۷ ق، ص ۳۶۳.
- . ابن بیطار، *الجامع المفردات للادویه والاغذیه*، بولاق، بی تا، ۱۲۹۱ ق، ج ۲، ص ۱۵.
- . حسن عبدالوهاب، *الطب العربی فی آفریقیه*، بیروت: الفکر العربی، ۱۹۵۸ م، ص ۹۰۷ - ۹۱۴.
- . احمد بن محمد مقرئ، *نفع الطیب*، به اهتمام احسان عباس، بیروت: دارالفکر، ۱۹۶۸ م، ج ۲، ص ۹۷.
- . ابن بطوطه، *پیشین*، ص ۶۶۰ - ۶۴۳.
- . رشید الدین فضل الله همدانی، *وقفنامه ربع رشیدی*، به اهتمام مجتبی مینوی و ایرج افشار، تهران: بی تا، ۱۳۵۶، ص ۲۲۴ - ۲۳۴.
- . سعید نفیسی، *تاریخ بیمارستان‌های ایران*، مجله شیر و خورشید سرخ ایران، تهران: ۱۳۲۹ - ۱۳۳۰، سال ۳، شماره ۹ - ۱۰، ص ۱۹.
53. [http:// www. Waqfuna. Com/v/index. Php](http://www.Waqfuna.Com/v/index.Php).
- . سید حجازی المرسی، *دورالوقف فی تحقیق التكافل الاجتماعی فی البیئة الاسلامیه (۱)*، *الاقتصاد الاسلامی*، ۱۴۲۷ ق، ص ۷۹ - ۸۰.
- . سلیم هانی منصور، *الوقف و دوره فی التنمية الاجتماعیه*، ریاض: جامعه الامام الازاعی، بی تا، ص ۱۴.
- . سید حجازی المرسی، *پیشین*، ص ۶۹ - ۷۱.
- . منذر قحف، *پیشین*، ص ۳۱.
- . محمد عبدالعزیز بن عبدالله، *الوقف فی الفكر الاسلامی*، المغربیه، وزارة الوقاف و الشؤون الاسلامیه، ۱۹۹۶ م، ص ۱۵۵ - ۱۵۶.
- . *پیشین*. [www. waqfuna](http://www.waqfuna).
- . منذر قحف، *پیشین*، ص ۶: *پیشین*، [www. waqfuna](http://www.waqfuna).

- . علی بن یوسف ابن قفطی، پیشین، ۱۹۳ - ۱۹۵؛ موفق الدین ابن ابی اصیبعه، پیشین، ص ۳۰۲ - ۳۰۴.
- . سریل الگود، پیشین، ص ۲۳۳ - ۲۵۰.
- . سید حجازی المرسی، پیشین، ص ۷۱؛ پیشین، [www. waqfuna](http://www.waqfuna)
- . علی بن یوسف ابن قفطی، پیشین، ص ۱۹۳ - ۱۹۵؛ موفق الدین ابن ابی اصیبعه، پیشین، ص ۳۰۱.
- . حسن کریمان، پیشین، ج ۲، ص ۳۶۲.
- . ابراهیم بن محمد اصطخری، پیشین، ص ۸۱؛ مهدی فرشاد، تاریخ علم در ایران، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۸۴۹.
- . عبدالرحیم بن حسن اسنوی، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۹ - ۲۳۰.
- . عبدالوهاب بن علی سبکی، پیشین، ج ۴، ص ۳۱۴.
- . محمد بن علی ابن حوقل، پیشین، ص ۴۵۴ - ۴۵۵.
- . جعفر بن محمد جعفری، تاریخ یزد، تهران: چاپ ایرج افشار، ۱۳۴۳، ص ۱۱۱ - ۱۱۳.
- . رشید الدین فضل الله همدانی، پیشین، ص ۱۸۰ - ۱۸۳.
- . شهابی، پیشین، ص ۳۱ - ۴۲.
- . حسین نصر، پیشین، ص ۷۵.
- . ناصر خسرو قبادیانی مروزی، سفرنامه، به کوشش محمد دبیر سیاقی، چاپ چهارم، تهران: زوار، ص ۳۷.
- . حسین نصر، پیشین، ص ۷۷.
- . موفق الدین ابن ابی اصیبعه، پیشین، ص ۶۲۸.
- . احمد بن علی مقریزی، پیشین، ج ۲، ص ۴۰۵؛ جرجی زیدان، پیشین، ص ۶۰۸.
- . احمد بن علی مقریزی، همان، ص ۴۰۵ - ۴۰۶.
- . پیشین. www. waqfuna
- . سید حجازی المرسی، پیشین، ص ۷۴.
- . جرجی زیدان، پیشین، ص ۶۰۸.

- . احمد بن علی مقریزی، پیشین، ج ۲، ص ۴۰۵ - ۴۰۶.
- . سید حجازی المرسی، پیشین، ص ۷۴.
- . همان.
- . یحیی بن محمود بن جنید ساعتی، الوقف و المجتمع، ریاض، مؤسسه الیمامه الصحفیه، ۱۹۹۷ م، ص ۵۳ - ۵۴.
- . احمد بن علی مقریزی، پیشین، ج ۲، ص ۴۰۶ - ۴۰۸.
- . جوزف گارلند، پیشین، ص ۷۱.
- . سید حجازی المرسی، پیشین، ص ۷۴.
- . ابراهیم عیسی شحاته، القاهره، سلسله الالف کتاب (۱۸۴)، قاهره: دارالهلل، بی تا، ۱۳۷.
- . محمد عبدالعزیز بن عبدالله، پیشین، ج ۱، ص ۴۳۱؛ محمد حسن نوبی، قیم الوقف و النظریه المعماریه - صیاغه المعاصره، مجله اوقاف، شماره ۸، کویت، ۲۰۰۵ م، ص ۱۳.
- . حسن عبدالوهاب، پیشین، ص ۹۰۷ - ۹۱۴.
- . احمد بن محمد مقری، پیشین، ج ۲، ص ۹۷.
- . محمد عبدالعزیز بن عبدالله، پیشین، ج ۱، ص ۱۶۰؛ محمد حسن نوبی، پیشین، ص ۱۵.
- . ابن بطوطه، پیشین، ص ۶۴۳ - ۶۶۶.
- . پیشین، www.waqfuna
- . یوسف بن امیر سیف الدین ابن تغری بردی، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، بیروت: دارالمکتب العربی، بی تا، ج ۴، ص ۱۰۱.
- . محمد ماهر حماده، المکتبات فی الاسلام، نشأتها و تطورها و مصائرهما، الطبعة الثانيه، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۹۷۸ م، ص ۱۴۵.
- . محمد نعیمی، الدرر فی تاریخ المدارس، تحقیق جعفر الحسینی، دمشق: المجمع العلمی العربی، ۱۹۴۸ م، ج ۲، ص ۱۳۸.

. محمد شاکر کتبی، عیون التواریخ، تحقیق فیصل السامر و زمیلته، بغداد: وزارة الثقافة

العراقیه، ١٩٤٨ م، ج ٢١، ص ٤٢٩.

